

\*\*\*\*\*

## بحثی درباره لایحه جدید چك بی محل

\*\*\*\*\*

بطوریکه استحضار دارید لایحه جدید چك از طرف وزارت دادگستری بمجلس داده شده که در چند مورد اشکالاتی بنظر میرسد که ذیلا مطرح میشود تا در صورتیکه وارد تشخیص گردد هنگام تصویب بآن توجه گردد مقدماتاً باید یادآوری شود که وجه چك و یا سفته باید با دریافت چك و یا سفته انجام گیرد و این معنی در ماده ۲۵۰ قانون تجارت باین شرح بیان شده «ماده ۲۵۰ هر يك از مسئولین تأدیه برات (سفته هم مشمول همین حکم است) میتواند پرداخت را به تسلیم برات و اعتراضنامه و صورتحساب ..... موکول نماید» در ماده ۳۱۳ قانون تجارت نیز میگوید وجه چك باید بمحض ارائه کارسازی شود (پس در صورت عدم ارائه الزامی بپرداخت نیست) بنابراین پرداخت وجه چك یا سفته بدون دریافت چك و یا سفته ولو طبق سند رسمی اقرار بوصول نماید، بسیار خطرناک است زیرا ممکن است دارنده اولیه که در این زمان مدعی است چك و یا سفته در دسترسش نیست و اقرارنامه رسمی میدهد. قبلاً چك را بدیگری منتقل کرده باشد و یا بعداً با تاریخ مقدم منتقل کند، درست است که این عمل صحیح نیست و گیرنده وجه بالمآل مسئول خواهد بود و لکن برای پرداخت کننده این خطر را دربردارد که بعداً یکنفر چك را در دادسرا ارائه دهد و مطالبه کند بدیهی است این پرداخت ولو با سند رسمی باشد ارتباطی بدارنده چك نخواهد داشت و این موضوع را ماده ۹ بکلی نادیده گرفته و میگوید اگر صادرکننده چك قبل از تاریخ شکایت کیفری وجه چك را نقداً بدارنده آن پرداخته الی آخر، مسلماً قانونگذار فرضش این است که نقداً پرداخته و چك را دریافت نداشته والا اگر فرض این بود که نقداً پرداخته و چك را گرفته دیگر جای بحث نبود و اگر گفته شود منظور از دارنده کسی است که اولین بار چك را بباتك ارائه داده، در ماده ۹ چنین معنایی مفهوم نیست و میگوید قبل از شکایت نه بعد از برگشت و اگر بگوید قبل از برگشت باز هم صحیح نیست زیرا قبل از برگشت معلوم

نیست چك دست چه کسی میباشد بخصوص که باین موضوع در ماده ۱۷ تصریح شده است، بعلاوه این راه سوءاستفاده باز میشود که دارنده چك وقتی چك را بثالث واگذار کرد برود و با صادرکننده تبانی کند و اقرار بوصول کند و بضرر ثالث اقدام نماید، خلاصه این بحث این میشود که صادرکننده چك باید طلبکار خود را کسی بشناسد که چك را باو مسترد دارد و وجه آنرا دریافت نماید، و هرگونه پرداختی برای دارنده چك قابل قبول نیست مگر آنکه سند پرداخت منسوب بخود دارنده باشد که اگر چنین قصدی قانونگذار داشته بایستی تصریح گردد، تا شامل هردارنده‌ای نشود و اصولاً بسیار بعید است شخصی که رسید داده خود مبادرت بشکایت نماید و مسلماً بدیگری واگذار میکند.

و اما نکته دوم آنکه در ماده ۲۱ میگوید بانکهها مکلف هستند کلیه حسابهای جاری اشخاصی را که ظرف سه سال بیش از یکبار چك بلامحل صادر کرده باشند به‌بندد، باید توجه داشت که حقوق کارمندان دولت طبق قانون باید بحسابجاری آنها ریخته شود و اگر کارمند دولت مشمول این ماده قرارگیرد تکلیف پرداخت حقوقش روشن نیست و باید لااقل اشاره شود که اگر کارمند دولت باشد حقوق او باید بوسیله سند پرداخت گردد.....

نکته سوم، در ماده ۱۶ میگوید هرگاه پس از صدور حکم قطعی شاکی گذشت کند و یا اینکه محکوم علیه طبق ماده ۱۲ موجبات پرداخت را فراهم نماید بنظر میرسد که قید محکوم علیه زائد است و بهتر است گفته شود موجبات پرداخت فراهم شود زیرا ممکن است شخص ثالثی حاضر شود بدهی صادرکننده را بپردازد و شاکی برای ایداع محکوم علیه قبول نکند و بهر تقدیر کلمه محکوم علیه اگر قید نشود اولی خواهد بود.

نکته چهارم، در پایان ماده ۱۸ فقط بذکر وجه‌الضمان اکتفا شده و بهتر است همان قید نقدی را همراه داشته باشد.

نکته پنجم، در تبصره ماده ۱۱ میگوید هرگاه بعد از ارائه چك بیانك دارنده (چك را) .... بهتر است که نوشته شود دارنده چك آنرا بدیگری انتقال دهد....

نکته ششم، در ماده ۱۸ میگوید هرگاه صادرکنندگان چك متعدد باشند..... در صورتیکه احد از متهمین معادل تمام مبلغ چك وجه‌الضمان یا ضمانت بانکی بدهد از بقیه متهمین تأمین متناسب اخذ خواهد شد... حکم این ماده بکلی مبهم است زیرا میدانیم که در ماده ۲۴۹ قانون تجارت بین صادرکننده و ظمیرنویس‌ها مسئولیت تضامنی وجود دارد، و حتی در قانون تجارت هم بین صادرکنندگان تضامن وجود ندارد و دارنده چك یا سفته نمیتواند از حکم تضامن استفاده نماید و چون در این فرض صادرکننده متعدد هستند مسلماً اگر قراردادی و قیدی نشده باشد مسئولیت هرکدام مساوی خواهد بود بخصوص که در امر کیفری تضامن وجود ندارد و هرچا جریمه یا تضامنی گرفته شود احتیاج به نص دارد. مثلاً اگر دو نفر يك فقره چك یکصد هزار ریالی صادر کرده باشند و دارنده بیکی از آنها مراجعه کند و مشارالیه پنجاه هزار

ریال بپردازد مصون از تعقیب خواهد بود کیفر آن دیگری که تحت تعقیب قرار میگیرد مثل این است که يك چك پنجاه هزار ریالی بلامحل صادر کرده باشد با این توضیح وقتی علیه هردو نفر شکایت میکند مرجع کیفری باید درباره هر يك پنجاه هزار ریال وجه الضمان نقدی و یا ضمانت بانکی صادر نماید در این صورت چگونه احد از آنها بیش از قراری که درباره اش صادر شد میتواند وجه الضمان بدهد و اگر مثل سایر افراد حاضر شود درباره متهم دیگر بمیل خود وجه الضمان بدهد نیازی به تصریح در ماده ندارد بعلاوه با این فرض از بقیه تأمین متناسب اخذ خواهد شد مفهومی ندارد و این عبارت نه تنها زائد است بلکه این شبهه را ایجاد مینماید که شاید میشود درباره هر يك تأمین معادل تمام چك وجه الضمان نقدی و یا ضمانت نامه بانکی صادر کرد که اگر یکی پرداخت از دیگری تأمین متناسب اخذ گردد ماحصل این بحث آنست که هر يك از صادرکنندگان بتساوی مسئول هستند و بمثابه آنست که هر کدام معادل سهم خود چك بلامحل صادر کرده اند و هنگام حکم هم نباید هر يك را معادل ربع اصل چك محکوم کرد و بلکه هر کدام به نسبت ربع سهم خود مثلاً اگر چهار نفر يك چك چهارصد هزار ریالی صادر کرده باشند نباید هر کدام را بیکصد هزار ریال یعنی جمعاً چهارصد هزار ریال محکوم کرد بلکه هر کدام به بیست و پنج هزار ریال محکوم خواهند شد که جمعاً بیکصد هزار ریال و معادل ربع چك خواهد بود و موضوع از مصادیق شريك جرم هم خارج است و هر يك مسئول مبلغی هستند که اگر نپردازند جرم نسبت باو تحقق مییابد.

نکته هفتم، در ماده ۲۲ میگوید گواهی مأمور بمنزله ابلاغ اوراق تلقی میشود و رسیدگی بدون لزوم احضار متهم بوسیله مطبوعات ادامه خواهد یافت... منظور کاملاً روشن نیست، اگر احضار لازم نیست در مطبوعات چه مطلبی آگهی خواهد شد زیرا میگوید رسیدگی بوسیله مطبوعات ادامه خواهد یافت و بهتر است در این قسمت توضیح بیشتری داده شود.

در خاتمه امیدوار است اگر مطالب مواد را اینجانب خوب درك نکرده باشم معذورم فرمایند زیرا بحث در مورد قانون آنهم قانونی که بمرحله اجرا در نیامده ممکن است بعضی از خوانندگان را با اشتباه بیندازد و یکی از اشتباه کنندگان هم بنده باشم بهرحال مسلماً هنگام شور این قانون در مجلسین مذاقه کافی خواهد شد تا احیاناً بعدها دادرها مواجه با ابهام قانون نگردند.